

## دلایل مخالفت با فعالیت‌های هسته‌ای ایران

## صلح یا جنگ؟

ایران هسته‌ای یعنی سهم خواهی از قدرت جهانی که این برای قدرتمندان غربی مطلوب نیست.

چرا قدرت‌های اول دنیا مدعی‌اند فعالیت‌های هسته‌ای ایران صلح‌آمیز نیستند؟ آیا واقعاً ایران خارج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) فعالیت می‌کند؟ آیا ایران دستیابی به اهداف نظامی را در سر می‌پروراند؟ اینها سؤالاتی هستند که در دهه اخیر، ذهن عموم تحلیل‌گران و کارشناسان را در سرتاسر جهان به خود مشغول ساخته‌اند که البته بنا به تفکرات و نگرش‌های گوناگون، جواب‌های متفاوتی هم به آنها داده شده‌اند.



منبع: ماهنامه «اقتصاد ایران» از Toonpool

در بین مخالفان، برخی با استناد به این که ایران مالک چاه‌ها و میدان‌های مملو از نفت و گاز است، حرکت هسته‌ای کشورمان را عبث دانسته و حتی بعضاً آن را دلیلی بر غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌های ایران برمی‌شمارند. رد این ادعا بر مبنای این تحلیل، کار چندان سختی نیست. چون ایران تنها کشوری نیست که علاوه بر منابع عظیم فسیلی، برای استفاده از انرژی هسته‌ای تلاش می‌کند. کشورهای روسیه و ایالات متحد که سهم بزرگی در تولید نفت و گاز جهان دارند، با در اختیار داشتن به ترتیب ۳۲ و ۱۰۴ رآکتور فعال، از بزرگان باشگاه هسته‌ای جهان هستند و حرکت‌های گسترده‌ای را در راستای استفاده از انرژی هسته‌ای آغاز کرده‌اند.

## غنی‌سازی، ریشه اختلاف؟

به طور قطع، قدرت‌های غربی که خود سرمایه‌گذاران عظیمی روی انرژی هسته‌ای انجام داده‌اند، نسبت به این مسأله واقف‌اند که مالکیت منابع فسیلی، دلیلی بر غیرصلح‌آمیز بودن فعالیت‌های ایران نیست. حال سؤال آن است که چرا با توسعه فعالیت‌های هسته‌ای در ایران مخالفت بوده و حتی با صرف بودجه‌های کلان، به دنبال همسو کردن نظر دیگر کشورها جهت توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران هستند؟

بخشی از مخالفت این کشورها بر خلاف بسیاری از تحلیل‌ها، ترس از دستیابی ایران به جنگ‌افزار هسته‌ای نیست؛ ترس از الگو شدن ایران برای دیگر کشورهای منطقه و جهان است. یقیناً اگر دستیابی به فناوری هسته‌ای برای ایران ممکن شده است، برای دیگر کشورهای جهان هم

ممکن خواهد بود. این مسأله می‌تواند قدرت محوری کشورهای غرب را تحت‌الشعاع قرار دهد. طرف دیگر این مسأله، تفکر "توسعه یک‌بعدی" است.

به طور قطع، کشورهای قدرتمند که ابزار حرکت اقتصادی و سیاسی جهان را در دست دارند، تمایلی به اضافه شدن عضوی جدید به چند ضلعی قدرت جهان ندارند. حال اگر اضلاع توسعه

اقتصادی و سیاسی را به تصویر بکشیم، علاوه بر موارد مهمی چون نیروی انسانی متخصص و عامل سرمایه، بدون شک باید یک ضلع را به انرژی اختصاص دهیم. کشورهای صاحب انرژی، این توان را داشته و دارند که بر روند اقتصادی دیگر کشورها تأثیر بگذارند. بنگرید به بحران نفتی دهه ۷۰ میلادی که تحریم نفت چه بلایی بر سر اقتصاد جهان آورد. اصلاً به دنبال همین اتفاق بود که بحث جایگزینی نفت خاورمیانه مطرح گردید و استفاده از انرژی هسته‌ای در کنار انرژی‌های نو در دستور کار قرار گرفت.

حال اگر دو بُعد مطرح شده را کنار هم قرار دهیم، به راحتی درمی‌یابیم که چرا ایران هسته‌ای خطرناک است. ایران هسته‌ای، مساوی است با سهم خواهی از قدرت اقتصادی و سیاسی جهان. البته شاید در اینجا این مسأله به ذهن خطور کند که امروزه کشورهای زیادی وجود دارند که نه به اندازه مثلاً آمریکا توسعه یافته‌اند و نه نقش زیادی در سیاست‌گذاری دنیا ایفا می‌کنند، اما بدون مخالفت کشورهای قدرتمند غربی از انرژی هسته‌ای استفاده می‌کنند. برای روشن شدن این مسأله، تنها کافی است این را مد نظر قرار دهیم که هسته‌ای شدن این کشورها، بر خلاف ایران و به صورت وارداتی از کانال قدرت‌های غرب محقق شده است که این نمی‌تواند تهدیدی برای صاحبان فعلی این تکنولوژی باشد.

## امپریالیسم نوین

بحث دیگر، تفکر استعمار است. این تفکر همواره در طول تاریخ، به دلیل محدودیت منابع وجود داشته و خواهد داشت که تنها با گذر زمان، نوع آن تفاوت پیدا می‌کند. بر خلاف دهه‌ها و سده‌های گذشته، استعمار در دنیای امروز به معنای غیرمستقیم آن، به صورت کنترل کالا، هدایت مواد

خام به کانال‌های از پیش تعیین شده، توسعه صنعتی در کشور ضعیف‌تر با استفاده از نیروی کار ارزان و عدم لحاظ استانداردها و ملاحظات کامل زیست محیطی و اجتماعی و در نهایت بهره مندی از بازار بدون دغدغه فروش کالا است. حال اگر این مسأله را در نظر بگیریم، درمی‌یابیم که تفکر قدرت‌یابی در میان کشورهای در حال توسعه، تا چه اندازه برای قدرت‌های کنونی نامطلوب است.

## ابزاری برای توسعه

انرژی هسته‌ای، جدا از آن که یکی از صور انرژی می‌باشد، به دلیل آن که از موقعیتی متمایز در قیاس با سایر انرژی‌های تأثیر گذار (همچون نفت و گاز) بهره می‌برد و به نوعی یک کالای استراتژیک محسوب می‌شود، می‌تواند نقش زیادی در توسعه یک کشور ایفا نماید. یقیناً تقاضای روز افزون جهان برای استفاده از فناوری هسته‌ای، این فرصت را در اختیار صاحبان این فناوری قرار می‌دهد که بتوانند با مدیریت این بازار، ارز قابل توجهی به دست آورند. صادرات تکنولوژی هسته‌ای، صادرات نرم افزاری و سخت افزاری از ساخت و نصب سانتریفیوژ گرفته تا تأسیس نیروگاه - و ارسال مهندسان متخصص - می‌تواند ضمن فراهم سازی زمینه دستیابی به مواردی همچون ارز پایدار، رشد اشتغال، سرمایه‌گذاری و حاکمیت ژئواستراتژیکی، رکنی برای توسعه یک کشور باشند. همچنین کشورهای بهره‌مند از این تکنولوژی، در بُعد سیاست‌گذاری جهانی، این پتانسیل را در اختیار دارند که با وضع قوانین جدید، منافع اقتصادی خود را نسبت به زمان تضمین کنند.

## سیاست ایرانی

با توجه به مطالب مذکور، کشورمان باید با درایت کامل از فرصت‌های موجود در این مسیر برای پیشبرد اهداف اقتصادی خود استفاده کند. البته علیرغم آگاهی از این که دستیابی به فناوری تولید این انرژی تا چه میزان بر قدرت رو به رشد اقتصادی و به تبع آن سیاسی کشور تأثیر خواهد گذاشت، باید نسبت به اتفاقات بیرونی کاملاً حواسمان جمع باشد. در شرایط حاضر که بسیاری از کشورهای جهان - به دلیل تبلیغات گسترده غرب - اعتماد کمی نسبت به فعالیت‌های هسته‌ای ایران دارند و عموماً اقدامات ایران را با سوء ظن ارزیابی می‌کنند، بهتر است با دیپلماسی کارآمد، روند آرام، اما پیوسته‌ای را در دستور کار قرار دهیم. همچنین باید پیامد تمام تحرکات خود را از جوانب گوناگون ارزیابی کرده و در این تحرکات، برای به کرسی نشاندن حرفمان از ابزار درستی استفاده کنیم. این ابزار هم چیزی جز مهره‌های سیاست خارجه، رایزنی‌های مناسب بین‌الملل، انعقاد قراردادهای سودده دو طرفه و میزبانی مجالس منطقه‌ای و جهانی نمی‌باشد. ■